

نقوش انسانی در کنده‌نگاره‌های شرق ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۰

سارا صادقی^۱

حمیدرضا قربانی^۲

حسن هاشمی زرج آباد^۳

چکیده

صخره‌نگاره‌ها، هنر صخره‌ای و یا به مفهوم رایج و متداول در میان باستان‌شناسان، "باستان‌شناسی هنر صخره‌ای" از جمله شواهد فوق‌العاده در حوزه مطالعات باستان‌شناختی و رشته‌ها و دانش‌های خویشاوند دیگر است. این گنجینه‌های عظیم اطلاعات متنوع به هر میزان که گسترده‌تر و شناسایی، کشف و مطالعه شده‌اند، اطلاعات و آگاهی ما از چگونگی فرآیند فرهنگ و حیات اجتماعی اعم از نوع اقتصاد و معیشت و شیوه‌های دادوستد و نظام‌های ارزشی و باورهای جمعیت‌های انسانی در گذشته غنی‌تر، ژرف‌تر و مطمئن‌تر شده است. میلیون‌ها جایگاه هنر صخره‌ای در سراسر جهان شاهدهی بر خلاقیت بشر در دورانی است که بیش از ده هزاره به اعماق ماقبل تاریخ باز می‌گردد. این هنر دارای ابعاد جغرافیایی وسیعی است که در بسیاری از نقاط دنیا بدست آمده است. در چند دهه اخیر در ایران تحقیقات فراوان در این زمینه صورت گرفته است. این پژوهش به بررسی نقوش انسانی در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی پرداخته است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای و روش میدانی است. اهداف پژوهش عبارتند از بررسی و معرفی نقوش انسانی، طبقه‌بندی نقوش انسانی، مقایسه تطبیقی نقوش با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران، نمادشناسی نقش‌مایه‌های انسانی و ارتباط نقوش با عقاید و فرهنگ زندگی مردمان گذشته. نتایج حاکی از این است که مضمون نقوش انسانی در شش دسته‌ی منفرد،

sara_sadeghi809@yahoo.com

ghorbani.hr@birjand.ac.ir

h.hashemi@umz.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

۲. استادیار باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

۳. دانشیار باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

در مراسم (آیینی، رقص)، در حال نبرد، در مراسم نمایشی (مسابقه، سوارکاری)، در چراگاه یا دامداری و همراه با نقوش نمادین می‌باشد. این نقش‌مایه‌ها، زندگی گذشته انسان‌هایی را به ما معرفی می‌کنند که با اعتقادات خود، زندگی را باور داشته‌اند و نشان و کلامی از زوایای تاریخ دنیای باستان را برای ما روشن می‌سازد.

واژگان کلیدی: هنر صخره‌ای، نقوش انسانی، خراسان جنوبی.

مقدمه

مدتهاست دریافته‌ایم که هنر یک بازی ساده شخصی بی‌نتیجه نیست، بلکه بر زندگی جمعی انسان‌ها اثر می‌گذارد و می‌تواند سرنوشت جوامع انسانی را دگرگون کند (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۱۴). فرهنگ و هنری که از دیرباز در قلمرو سرزمین ایران به وجود آمده، دارای مشخصه و مؤلفه‌هایی گردید که بیانگر ایرانی بودن آن شد و از همین رو است که در هر مکان جهان، آثاری از این فرهنگ دیده شود، بی‌آن‌که نامی بر روی آن نوشته باشند، نمایانگر ایرانی بودن خود هستند. آن‌چه ایرانی بودن این آثار را بیان می‌کند، اشتراکات فکری و فرهنگی ملت‌هایی است که در طول تاریخ در این سرزمین زیسته و احوالات اندیشه آنان، شباهت‌هایی محوری به خود گرفته و نوعی یکپارچه کلی در استمرار این آثار حفظ شده است (سامه و شیرازی، ۱۳۹۱: ۱۸۲). پی بردن به این‌که هر طرح و نقش، چرا و چگونه تکوین یافته، ما را از آرمان‌ها، اعتقادات و نگرش یک جامعه نسبت به پیرامونش آگاه می‌کند. معمولاً این سمبل‌ها هستند که تجلی‌گاه کمال، حقایق و ارزش‌های مطلق انسانی یک دوره و یا یک قوم از جوامع بشری است و این‌گونه هنر، نماد و اسطوره با یکدیگر معنا پیدا می‌کنند (محمودی و نصیری، ۱۳۹۲: ۸). هنر صخره‌ای^۱ در مفهوم امروزی، فقط در برگیرنده نگاره‌هایی است که نقش‌های

۱. نقوش صخره‌ای در جهان به سه دسته تقسیم شده‌اند. این تقسیم‌بندی، به آثار ایران هم قابل تعمیم است: ۱- پیکتوگراف (Pictograph) یا رنگ‌نگاره: شامل نقاشی، طراحی، اندود رنگ و ... ۲- پتروگلیف (Petroglyph) یا کنده‌نگاره: آن‌چه که از طریق کندن، شکاف دادن، نقر، ساییدن، خراشیدن یا خرد کردن نمادین سنگ، از درون سنگ بریده شده است. ۳- ژئوگلیف (Geoglyph) پدیده‌ها و برجستگی‌های طبیعی زمین که به نحوی به دست انسان تغییر یافته و مورد استفاده‌ی برداشت‌های ذهنی او قرار گرفته است، اعم از هنر یا آئین و یا قوانین و آداب اجتماعی و گروهی (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۱).

عمده آن، تصاویر کوچک و گاه مینیاتوری؛ حیوان، اشکال، نمادها، گیاهان و انسان، به صورت تک نگاره یا در صحنه ها و مجالس شکار، نبرد، رقص و مراسم اجتماعی و آیینی بوده و سبک اجرایی این نقوش به شیوه کنده نگاره است (بیک محمدی؛ جانجان و بیک محمدی، ۱۳۹۱: ۱۲۲). در این مقاله به بررسی نقوش انسانی سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی پرداخته شده است. در میان نقوش شناسایی شده استان خراسان جنوبی با نقوش انسانی مواجه شدیم که غالباً به صورت مُسَبَّک^۱ و خطی و ندرتاً به صورت حجمیک ظاهر شده اند. نقوش یافت شده دربرگیرنده موضوعات مختلفی هم چون: نبرد، آیینی، سوارکاری و غیره می باشد. این مقاله در برگیرنده اهداف زیر است:

۱- بررسی و معرفی نقوش انسانی؛ ۲- طبقه بندی نقوش انسانی؛ ۳- مقایسه تطبیقی نقوش با دیگر سنگ نگاره های ایران؛ ۴- نمادشناسی نقش مایه های انسانی؛ ۵- ارتباط نقوش با عقاید و فرهنگ زندگی مردمان گذشته.

پیشینه پژوهش

پراکندگی هنر صخره ای در قسمت های مختلف ایران (شمال شرق، شمال غرب، مرکز فلات، جنوب و جنوب شرق) باعث تبدیل شدن این موضوع به شاخه جدیدی از این هنر در ایران شده است. جنوب خراسان نیز به دلیل بار غنی نیز همانند سایر بخش های خراسان بزرگ، از آثار و شواهد فرهنگی فراوانی برخوردار است که همواره مورد توجه محققان قرار گرفته اند (زارعی، سروش و کریمیان، ۱۳۹۱: ۳۰). در سال ۱۹۶۹ میلادی، بورنی^۲ در گزارش مقدماتی اش، کار خود را از اولین گزارش های مقدماتی درباره ی نقوش صخره ای ایران میداند (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۶). صراف و بشاش (۱۳۶۶: ۶) نقوش صخره ای کمرنبشته ی تویسرکان را مورد بررسی و مطالعه قرار دادند و نقوش آن را شامل نقوش حیوانی، انسانی، هندسی و غیره معرفی کردند. در سال ۱۳۷۷ مجموعه نقوش منطقه تیمره (بخش هایی از استان قم و مرکزی در مرکز کشور) که از اهمیت ویژه ای

۱. مُسَبَّک (stilization): نقوش ساده شده، استیلیزه شده، خلاصه شده که با درجاتی از سادگی همراه است، به طور مثال استفاده از دو مثلث متصل به هم، یک لوزی ساده، یک مستطیل و غیره.

2. Burnie

برخوردار بوده، به صورت کتابی جامع و کامل منتشر گردیده است (فرهادی، ۱۳۷۷: ۶۵-۶۶). رفیع فر (۱۳۸۴: ۷۵) در قالب کتابی با عنوان "سنگ‌نگاره‌های ارسباران" به صورت جامع تر به تشریح نقوش صخره‌ای هوراند (لقان) کلیبر پرداخت. بیگری، مرادی بیستونی و جمشیدی (۱۳۸۶: ۵۳) گزارش بررسی نقوش غار چشمه‌سهراب (مرآوزا) دینور کرمانشاه را منتشر کردند و دیرینگی این آثار را با در نظر گرفتن تمام مدارک موجود در غار با قریب احتمال به دوران سلوکی- اشکانی و یا ساسانی نسبت دادند. بیک‌محمدی، جانجان و بیک‌محمدی (۱۳۹۱: ۱۳۹) به معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه‌ی B، ارگس سفلی (ملایر- همدان) پرداختند و در بحث گاه‌نگاری نقوش این محوطه ذکر کردند که به روش مقایسه‌ای و نشانه‌شناختی با سایر آثار شناسایی شده از نگاره‌های سنگی و هم‌چنین با توجه به الگوهای استقرار منطقه مورد بحث و نشانه‌شناسی در بین نگاره‌های ارگس سفلی با رعایت شرط و احتیاط بسیار، می‌توان سنگ‌نگاره‌های ارگس را به دوران تاریخی (اشکانی و بعد از آن) منسوب کرد. پژوهش‌های شاخص صورت گرفته در استان خراسان جنوبی برای اولین بار به سال ۱۳۳۰ برمی‌گردد که مطالعات باستان‌شناسی پیرامون سنگ‌نگاره‌ها و قرائت کتیبه‌های اشکانی کال جنگال، توسط رضایی و کیا (۱۳۳۰: ۷) بود که گام‌هایی در این زمینه برداشته شد. پژوهش دیگر سنگ‌نگاره‌های لاخل‌مزار بیرجند است که در سال ۱۳۷۱ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت که در مجموع، نقوش و کتیبه‌های شناسایی شده ۳۰۷ مورد را در برمی‌گیرد (لباف‌خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۴). این پژوهش به بررسی نقوش انسانی سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی پرداخته است. در رابطه با نقوش انسانی در ایران، محققان زیادی - از جمله آنهایی که در بالا به آثارشان اشاره شد- به پژوهش پرداخته‌اند، اما تمامی این پژوهشگران به صورت جسته و گریخته، همراه با دیگر نگاره‌های حیوانی، نمادین، کتیبه‌ها و غیره، تنها به معرفی نقوش انسانی در حوزه مورد مطالعه خود پرداخته‌اند. لذا این پژوهش برای اولین بار و به صورت شاخص به بررسی و تحلیل نقوش انسانی در ۱۱ محوطه از سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی در شرق ایران، با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران پرداخته است.

روش پژوهش

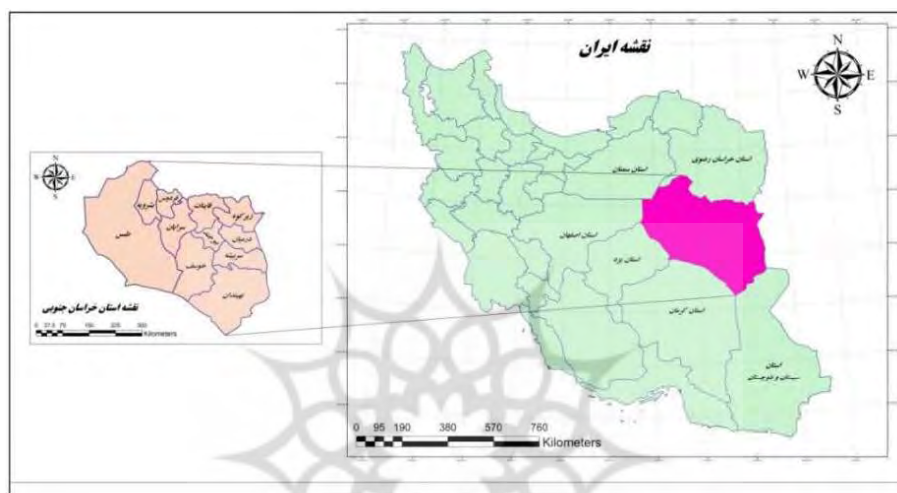
روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای و روش میدانی است. در روش میدانی نقوش انسانی یافت شده بر روی سنگ‌های استان خراسان جنوبی مستندنگاری شد و در مرحله کتابخانه‌ای، به تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نقوش در مناطق خاص که در این زمینه وارد مقوله مردم‌شناسی و مردم‌نگاری شده و بررسی نقوش با دیگر نقوش انسانی یافت شده در میان سنگ‌نگاره‌های ایران پرداخته شده است.

کلیاتی در باب ویژگی‌های جغرافیای خراسان جنوبی

استان خراسان جنوبی با وسعتی معادل ۱۹۳/۱۵۱ کیلومتر مربع، بین مدار جغرافیایی ۳۱° تا ۳۴° ۵۳' عرض شمالی و ۳° ۵۷' تا ۶۰° طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. استان خراسان جنوبی از شمال به خراسان رضوی و از شرق به طول حدود ۳۳۱ کیلومتر دارای مرز مشترک با کشور افغانستان بوده و از غرب به استان یزد و از جنوب به استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان محدود می‌باشد. از لحاظ وضعیت ارتفاعات، ارتفاعات خراسان جنوبی امتداد شمالی-جنوبی دارند (استاندارداری خراسان جنوبی، ۱۳۹۰: ۵۲). اقلیم استان خراسان جنوبی در اکثر بخش‌ها، خشک و بیابانی است. قلت ریزش‌های جوی و توزیع فصلی بارش که عمدتاً در زمستان نازل می‌شود با تابستان‌های گرم و خشک که ناشی از تأثیر پر فشار حاره‌ای در لایه‌های میانی جو است، از مهم‌ترین ویژگی‌های اقلیمی استان می‌باشد. این وضعیت در تابستان باعث تابش شدید خورشید و گرمای زیاد در سطح زمین می‌گردد (تاجریری و آرزومندان، ۱۳۹۰: ۶۰) (نقشه ۱).

از نظر قومی استان خراسان شامل کردها، بلوچ‌ها، تیموری‌ها، ترک‌ها، بربرها، اعراب و یهودیان و کولی‌ها می‌باشند. اجتماع قومی خراسان بسیار پیچیده است و پارس‌های این منطقه در شرایطی بسیار نامطلوب به سر می‌برند. این ولایت کاملاً آن جایگاه مهم را که در ابتدا پایگاه تمدن ایرانی به‌شمار می‌رفت، از دست داده است و کم‌وبیش

روستاییان پارسی خالص، تدریجاً به سمت کویر مرکزی در مسیر غرب و جنوب رانده شدند (ایوانف، ۱۳۸۸: ۶۰). در بررسی نقوش این استان می‌توان بین این قومیت و نقوش کنده‌نگاره‌ها، ارتباطی آیینی برقرار کرد.



نقشه ۱) موقعیت استان خراسان جنوبی در ایران

(گل کار حمزه‌بی یزد، رضایی نژاد و طاووسی، ۱۳۹۵: ۵۰).

جامعه آماری

در منطقه جغرافیایی این پژوهش، یعنی منطقه‌ی خراسان جنوبی، از مجموع ۲۰ منطقه، ۱۱ محوطه دارای نقوش انسانی یافت شده است که در این ۱۱ محوطه، ده‌ها نقش حیوانی، ابزار، نمادین و کتیبه نقر شده است. در این پژوهش نیز به نقوش انسانی موجود بر کنده‌نگاره‌های این استان پرداخته شده است. مکان‌های شاخصی که حاوی نقوش موجود هستند، سنگ‌نگاره‌هایی - رامنگان ۱، خزان، لاخ دلدل، آسو، تنگل‌آستاد، کافرکوه، لاخ چمنزار، کوه گرد کوچک، کال جنگال، نخلستان و کال حسینا- هستند که در خصوص موقعیت جغرافیایی، ارتفاع از سطح دریا و سایر جزئیات این کنده‌نگاره‌ها، به دلیل طولانی شدن موضوع از این نوشتار برداشته شده و در قسمت جدول، در انتهای مقاله قید گردیده است (جدول ۹) (عکس ۱).



عکس ۱) سیمای ماهواره‌ای نقاط دارای نقوش انسانی در استان خراسان جنوبی (قربانی، ۱۳۹۲: ۲۶۰)

طبقه‌بندی نقش‌مایه‌های انسانی یافت شده در استان خراسان جنوبی

نقوش انسانی سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی در مجموع دربرگیرنده موضوعات مختلفی است که دربرگیرنده هشت موضوع شامل: ۱- صحنه منفرد نقوش انسانی؛ ۲- نقوش انسانی در حال انجام مراسم رقص؛ ۳- نقش انسانی در حال انجام مراسم آیینی؛ ۴- نقش انسانی در صحنه‌های نمایشی؛ ۵- نقش انسانی در حال نبرد؛ ۶- نقش انسانی با تیر و کمان؛ ۷- نقش انسانی در چرا یا در صحنه دامداری؛ ۸- نقوش انسانی همراه با نقوش نمادین.

در ادامه پژوهش به بررسی هرکدام از این نگاره‌ها و بررسی تطبیقی و تحلیلی این نقش‌مایه‌ها با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران پرداخته شده است.











صحنه منفرد نقوش انسانی

نقوش و نگاره‌های استان خراسان جنوبی در برگیرنده و حاوی اطلاعات زیادی هستند. از نقوش و نگاره‌های مورد بحث صحنه‌های انسانی هستند که به صورت منفرد و تکی بدون هیچ نگاره‌ای، یافت شده‌اند. این نقوش در شش محوطه - کال جنگال، خزان، نخلستان، کافرکوه، کال حسینا و تنگل اُستاد- یافت شده است. با نگاهی به این صحنه‌ها می‌توان پی برد که تمامی نقوش از نظر سبکی و سایر ویژگی‌های ریخت‌شناسی نقوش

انسانی شبیه به هم است. از لحاظ سبکی نیز از نوع روش پتروگلیف^۱ (کنده‌نگاره) و پیاده و تماماً به صورت تک‌خطی و بسیار ساده نقر شده و نقوش انسانی منفرد در این نگاره‌ها، از روبه‌رو نمایش داده شده است، البته به جز نگاره‌های کالِ جنگال. در این محوطه نقوش از جهت شیوه و سبک اندازه و ابعاد نقش بسیار بزرگ‌تر از اندازه معمول است که دارای لباس است و مربوط به یکی از سربازان اشکانی - با توجه به کتیبه نقر شده در زیر نقش - است و هر دو نقش جهت‌شان به سمت چپ است. نقوش انسانی تک‌خطی شباهت بسیار زیادی به نقوش هزارسم در افغانستان دارد که مجموعه نقوش‌های کشف شده در این منطقه مربوط به دوران سنگی است (لباف خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۲۳). در کنده‌نگاره‌های صخره‌ای رمه‌کوه نصرآباد، نقش انسانی شبیه به سنگ‌نگاره کافرکوه دارد، با این تفاوت که زائده‌ای که در کنار کمر نقش انسانی کافرکوه وجود دارد در رمه‌کوه در وسط پاهای نقش انسانی حک شده است. در میان نقوش لایخ مزار بیرجند به نگاره‌هایی برمی‌خوریم که به‌طور خلاصه شده و بسیار ساده کشیده شده‌اند، نقوش انسانی که احتمالاً یکی از انسان‌های خلاصه‌شده و ساده از شاخه یکی از درخت‌ها آویزان نشان داده شده است (همان، ۲۶). با نگاهی به تمامی نقوش در نگاره‌های استان خراسان جنوبی می‌توان پی برد تمام نقوش انسانی مربوط به مرد است و تنها نقوش تکی زن در سنگ‌نگاره خزان است که با توجه به لباسش (دامن) که شبیه به لباس دخترچه است که باید گفت جای بسی تأمل دارد (جدول ۱).

جدول ۱) بررسی نقوش انسانی در صحنه‌های منفرد در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی با دیگر

سنگ‌نگاره‌های ایران

				
(قربلی، ۱۳۶۲: ۱۳۴)	(قربلی، ۱۳۶۲: ۱۱۷)	(قربلی، ۱۳۶۲: ۱۵۷)	(قربلی، ۱۳۶۲: ۱۹۳)	(قربلی، ۱۳۶۲: ۲۰۴)
				
(لیف خلیکی و یشارتی، ۱۳۷۳: ۳۵)	(لیف خلیکی و یشارتی، ۱۳۷۳: ۴۵)	(کریمی، ۱۳۸۶: ۲۲)	(قربلی، ۱۳۶۲: ۱۸۲)	(قربلی، ۱۳۶۲: ۱۸۵)

منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۴)

نقوش انسانی در حال انجام مراسم رقص

تنها نقش انسانی کشف شده بر روی صخره‌های این استان که در حال انجام مراسم رقص می‌باشد، در سنگ‌نگاره خزان است که از لحاظ سبکی از نوع پتروگلیف است. از نظر ریخت‌شناسی، نقش نیز از روبه‌رو و هرکدام دستمالی در دست چپ‌شان نقر شده است که نقش انسان پایینی که در آن یکی از پاهای خود را کمی بالا برده است که به‌علت گذشت زمان، نقش مقداری آسیب دیده است. این نقوش و این مراسم از لحاظ شباهت به نقوش صندوقه ۲ (شمال کرمانشاه) که یک نقش انسانی است که یک دست خود را به کمر زده و دست دیگرش را بالا نگه‌داشته و شیئی شبیه پارچه یا دستمال را طوری نگه‌داشته که موج‌های پاچه حرکت را القاء می‌کنند (شیدرنگ، ۱۳۸۶: ۵۷). در سنگ‌نگاره‌های جُربت (شهرستان جاجرم)، نگاره‌های انسانی بیشتر به‌صورت گروهی و با پویایی تمام دیده می‌شوند. یکی از این نمونه‌ها، بسیار مشابه پایکوبی کردهای کرمانجی در خراسان شمالی است که بیشتر با حرکات دست و بدون نظم همیشگی در این‌گونه مراسم برگزار می‌شود (رشیدی‌نژاد؛ دلفانی و مصطفی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

در نقوش پناهگاه اصلی سونگون (آذربایجان شرقی: ورزقان در قسمت شمال غربی دشت معادن مس سونگون)، تعدادی نقوش وجود دارد که نقوش زن‌هایی - با توجه به لباسی که به تن دارند- در آن مشخص شده است. تمامی این نقوش در حالت تمام‌رخ و به صورت زوج در کنار هم تصویر شده‌اند، دست‌های چپ‌شان به طرف بالا و دست‌های راست‌شان تماماً به طرف پایین است و در حالت کاملاً متحرک نمایش داده شده‌اند (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۶۳). در محل باستانی تام‌گلی در قزاقستان در یک صحنه نسبتاً بزرگ، نقش دو زوج که کاملاً آن را می‌توان شبیه به یک صحنه گروهی که در حال رقص هستند را به وضوح دید (Francfort, 1998: 309). در منطقه کوهستانی سارال (کردستان)، علاوه بر فنجان‌نماها و جای پاها نیز تصویر زن و مردی کنده‌کاری شده که در حال رقص گردی هستند و مرد نیز دستمالی به دست دارد و هدایت رقص را به عهده گرفته، دیده می‌شود (لحافیان، ۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۸۶) (جدول ۲).

جدول ۲) بررسی نقوش انسانی در حال انجام مراسم رقص در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران و قزاقستان

 <p>سنگ‌نگاره چریت (رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۹).</p>	 <p>صندوقه ۲ (شیدرنگ، ۱۳۸۶: ۶۰)</p>	 <p>خزلن (قریالی، ۱۳۶۲: ۱۲۵)</p>
 <p>منطقه کوهستانی سارال (لحافیان، ۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۸۷)</p>	 <p>نام‌گلی در قزاقستان (Lymer 2004 b: 163)</p>	 <p>سونگون (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۶۳)</p>

منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۴)

نقوش انسانی مربوط به مراسم آیینی

در میان ۱۱ محوطه از سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی، سه صحنه وجود دارد که حائز اهمیت است. این صحنه های انسانی در حال انجام مراسم آیینی هستند که شامل:

۱- صحنه هایی در مراسم قربانی؛ ۲- مراسم مناسک جاودیی و ۳- مراسم ازداواج است. صحنه اول: اولین صحنه مراسم قربانی را نشان می دهد. در این صحنه، نقوش انسانی که فرد جلویی است سر بزکوهی را گرفته که احتمالاً مربوط به انجام مراسم قربانی است. رسم قربانی از کهن ترین ازمنه تاریخ، در میان اقوام باستان، با فرهنگ ها و تمدن های دیرینه، همواره رواج داشته است. این سنت، گاه به صورت اهدای قربانی های دسته جمعی انسانی و حیوانی و زمانی، به صورت هدایای نباتی و جمادی مرسوم بوده است. قدر مسلم است که این مراسم برای جلب رضایت خاطر خدایان و یا دفع آفات و بلاها صورت می گرفته است (فراهانی، ۱۳۸۹: ۷۶).

سؤالی که در این مرحله مطرح می شود آن است که انگیزه انسان ابتدایی از خوردن گوشت حیوان و ایجاد پیوند میان خویش و حیوان قربانی چه بود؟ رابرتسون اسمیت^۱ در پاسخ می گوید: چه بسا هدف انسان ابتدایی از خوردن گوشت حیوان و اتحاد با وی، به دلیل ترس از حیوانات بود که بعدها این اتحاد شکلی کامل تر به خویش گرفت و به شکل نظام توتمیسم^۲ مطرح گردید. خلاصه آن که، به اعتقاد رابرتسون اسمیت، رقبیله ای با خوردن حیوان قربانی با توتم خویش در مواقعی خاص، آن هم به صورت دسته جمعی و در مراسمی ویژه، در صدد برمی آید تا پیوندی میان خود و توتم خویش ایجاد نماید. نظریات رابرتسون مخالفان و موافقانی را برانگیخت. از جمله مردم شناسانی که موافق نظریه رابرتسون بودند و حتی در پردازش نظریه های خود از وی تأثیر گرفتند،

1. Robertson Smith

۲. توتم: Totem. توتمیسم یکی از رخساره های آغازین حیات دینی و معنوی انسان و از نخستین نمونه های اندیشه ی ماوراگرایانه اوست. این واژه بر مبنای یک اصطلاح الگوتکین، از زبان سرخپوستان امریکای شمال به معنای (آواز خوبشان من) ساخته شده و اختصاص به نظامی دارد که در آن واحد، مذهبی و جامعه شناختی است. توتم دو دسته عمده گیاهی و حیوانی تقسیم و حیوان یا گیاه وابسته به گروه، توتم نامیده می شود و چون در گروه ها و قبایل توتمی، گیاه یا حیوان را "هم چون نیای اولیه خود و نیز خدای اختصاصی قبیله خویش می دانستند، آن را سخت گرامی می داشتند و از خوردن آن خودداری می کردند" (محسنی و ولی زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

می‌توان از اف. بی. جیونز^۱ نام برد. وی در مقدمه‌اش بر کتاب تاریخ دین، مستقیماً به این موضوع اشاره کرده است، اما از جمله مردم‌شناسان مخالف نظریه‌های رابرتسون اسمیت می‌توان از ماریلیر^۲، هوبرت^۳، مس^۴ و ای. وستر مارک^۵ را نام برد (همانجا) (جدول ۳، صحنه ۱).

صحنه دوم: در میان نگاره‌ها، نقش زن و مردی است که از روبه‌رو نمایش داده شده است و در دست مرد یک شیئی شبیه به چوبدستی قرار دارد. این نقش را می‌توان از نقوش مناسک جادویی دانست. در این نوع مراسم که دربرگیرنده نوعی مناسک و اعمال نیمه جادویی است که در آن از طریق رفتارها، دعاها و استفاده از بعضی مواد مخدر ادعا می‌کنند که می‌توانند نه تنها بین جهان زندگان و جهان درگذشتگان، بلکه با جهان‌های موازی دیگر رابطه ایجاد کنند. این نوع مناسک جادویی هنوز هم در چند نقطه از سیبری وجود دارد و در آسیای مرکزی و حتی ایران نیز توانسته است تداوم خود را حفظ کند. در حال حاضر دست کم در سه منطقه از ایران، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و حتی در سواحل خلیج فارس وجود دارد. نقش دوقلوهای سونگون (آذربایجان شرقی: ورزقان در قسمت شمال غربی دشت معادن مس سونگون)، قوبستان (جمهوری آذربایجان)، گاما (ارمنستان) و دره مانیکا (ایتالیا) وجود دارد که در مجموعه قوبستان، تأیید شده است (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۱۸۱). شاید بتوان نقوش دوقلوی موجود در سنگ‌نگاره آسو را به نقوش ذکر شده در بالا شبیه کرد و مربوط به مراسمی از مناسک جادویی دانست (جدول ۳، صحنه ۲).

صحنه سوم: نقش زنی - با توجه به لباسش - و مردی نمایش داده شده است که هر دو پاهای چپ خود را کمی بالا برده‌اند و بر روی سرشان تعدادی نقش هندسی شبیه به نعل اسب حک شده است که این نقش را با توجه به نوشته هال^۶ (۱۳۹۰: ۱۸۸)

-
1. F. B. Jevons
 2. Mariller
 3. Hubert
 4. Mauss
 5. E. Wester Marcke
 6. James Hall

نماد حفاظت دوره‌ی قرون وسطی است و آن را از آن زمان، روی درب بسیاری از بناها می‌گذارند و به‌عنوان حرز و تعویذ نیز به‌کار می‌رود. اصل و منشأ آن نامعلوم است و محبوبیت آن به‌عنوان نماد خوشبختی، تکاملی تازه است. نقش موجود در سنگ‌نگاره کوه‌گرد کوچک، تعدادی نقش نمادین شبیه به نعل اسب بر روی سر زن وجود دارد که احتمالاً برای خوشبختی این دو نقش نقر شده است (جدول ۳، صحنه ۳).

جدول ۳) بررسی نقوش انسانی در حال انجام مراسم آیینی در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی

با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران

 <p>لاخ چمنزار (قریلگی، ۱۳۹۲: ۱۶۴)</p>	<p>۱. صحنه مراسم قریالی</p>
 <p>صحنه دیگلوهای مناطق مختلف (رفیعی، ۱۳۸۴: ۱۵۱)</p>	 <p>آسو (قریلگی، ۱۳۹۲: ۱۵۲)</p>
 <p>کوه‌گرد کوچک (قریلگی، ۱۳۹۲: ۱۷۴)</p>	<p>۳. صحنه مراسم ازدواج</p>

منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بررسی نقوش انسانی در صحنه‌های نمایشی (مسابقه، سوارکاری و سوارکوبی)


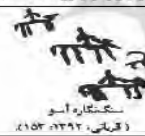
از زیباترین و برجسته‌ترین صحنه‌های متعلق به نگاره اسب در استان خراسان جنوبی، مربوط به نقش اسب همراه با نقوش انسانی در صحنه‌های نمایشی (مسابقه، سوارکاری و سوارکوبی) است. کنده‌نگاره‌های نمایشی یکی از مهم‌ترین نقوش و داده فرهنگی در بیان و نحوه پیشینه بازی‌های نمایشی و صحنه‌های مسابقه و بازی‌های نمادین در ایران است. در بازی‌های بومی شمال خراسان، بویژه در میان مردم قوچان، اسب‌سواری برای آموزش کودکان و ایجاد چالاکی، شادابی و ایجاد آمادگی هنگام نبرد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (جاپانی، ۱۳۸۰: ۵۲). از زمانی که اسب توسط انسان رام شد، از آن برای سواری، بارکشی و مسابقه استفاده شد. اسب از چهارپایان مورد علاقه ایرانیان از زمان‌های دور بوده است. از دیگر نقوش حیوانی مورد بررسی در این صحنه، نقش اسب و اسب‌سوار است. سنت نمایش مردان اسب‌سوار حتی تا زمان‌های اخیر نیز ادامه یافته است و می‌توان چنین عناصری را در نقوش سنگ قبرهای اواخر سده‌ی نوزدهم در بیستون و در هنر عشایری سده‌ی اخیر نیز مشاهده کرد (بیگلری، مرادی بیستونی و جمشیدی، ۱۳۸۶: ۵۲). یکی از این نقوش، صحنه نمایش و مسابقه در سنگ‌نگاره آسو است. مجموعه‌ای از نقوش سوارکاری - جهت تمام حیوانات به سمت راست است و در تمام نقوش دست راست فرد سواره بر گردن اسب گذاشته شده است - شاید تداعی‌کننده نوعی صحنه مسابقه باشد (جدول ۴، صحنه ۱). در همان نقش، فرد سواره‌ای افسار اسب را گرفته، یا زین اسب را گرفته است و یا در یکی از دست‌هایش چوبدستی یا شلاق را برای رام اسب در دست دارد. درباره مسابقات اسبدوانی، پژوهش‌های جدیدی صورت گرفته است که نشان می‌دهد که شور و شیفستگی مردمی مسابقات، اسبدوانی را نه جاذبه‌ی بُرد و باخت آن تعیین می‌کند که احتمال آن بیش از حد ضعیف و اتفاقی است و نه جاذبه حیوان و تمایل خاص به آن؛ زیرا از نظر اکثر شرکت‌کنندگان در مسابقات اسبدوانی، اسب چیزی جز یک وسیله‌ی فرعی مسابقه‌ی اسبدوانی نیست که یا در زیر پای سوارکار و یا در جلوی ارابه قرار گرفته و مسابقه نیز چیزی جز پرانتزی بین شرط‌بندی‌ها نمی‌باشد. قوه محرکه این شور و شیفستگی، فقط لذت بازی و ذوقی

است که نسبت به آن وجود دارد. این توضیح شیفتگی و شوری را که غیرحرفه‌ای‌های مسابقات اسب‌ها و یا مسابقات شترهای کشورهای مسلمان را به حرکت درمی‌آورد، دربر نمی‌گیرد. این‌ها همان کشورهایی هستند که شرط‌بندی در آن‌ها ممنوع و حرام است (پیردیگار، ۱۳۸۵: ۳۲۷-۳۲۸).

یکی دیگر از صحنه‌های مربوط به نگاره‌های نمایشی، متعلق به سوارکاری است که از نمونه‌های آن، سوارکاری در استان خراسان جنوبی است که به وفور دیده شده است. این نقوش را می‌توان در سنگ‌نگاره‌های خزان، کوه‌گرد کوچک و کالِ حُسینا و لَاحِ دَلْدُل مشاهده کرد (جدول ۴، صحنه ۲). یکی از جالب‌ترین نقوش نمایشی را می‌توان نقش سوارکوبی دانست. چنین نقشی را می‌توان در جشن‌ها و نمایش‌های اسب‌دوانی در شمال و غرب ایران دید که به صورت یک پا روی اسب خود ایستاده است و سوار دیگر، دهنه اسب را گرفته است که چنین نقشی در سنگ‌نگاره‌های آسو و کالِ حُسینا یافت شده است. در محوطه‌ی آسو و کالِ حُسینا (جدول ۴، صحنه ۳، الف) یکی از نگاره‌های انسانی به علت گذشت زمان از بین رفته و تنها یکی از نگاره‌های انسانی سوار بر اسب باقی مانده است. این نقش قابل مقایسه است با نگاره جُربِت که در شمال خراسان واقع شده است (رشیدی‌نژاد؛ دلفانی و مصطفی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۸)، اما در نگاره دیگر از این صحنه، نگاره‌های انسانی و اسب تماماً سالم باقی مانده‌اند (جدول ۴، صحنه ۳، الف) و در نقوش سرخه لیزه ۴ (شیدرنگ، ۱۳۸۶: ۶۰) این نقش را می‌توان مشاهده کرد (صادقی، قربانی و هاشمی زرج‌آباد، ۱۳۹۴: ۷) (جدول ۴، صحنه ۳، ب).

جدول ۴) بررسی نقوش انسانی در صحنه‌های نمایشی (مسابقه، سوارکاری و سوارکوبی) در

سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی با دیگر سنگ‌نگاره‌های ایران

 <p>سنگ‌نگاره آسو (قریانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲)</p>	<p>صحنه ۱: صحنه نمایش اسب همراه یا نقوش انسانی در حال انجام مسابقه</p>
 <p>سنگ‌نگاره خزان (قریانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳) سنگ‌نگاره کوکورد کوچک (قریانی، ۱۳۹۲: ۱۷۴)</p>	
 <p>سنگ‌نگاره لاج هندی (قریانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳)</p>	<p>صحنه ۲: صحنه نمایش اسب همراه یا نقوش انسانی در حال انجام سوارکاری</p>
 <p>سنگ‌نگاره کال خنیا (قریانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳)</p>	
 <p>سنگ‌نگاره آسو (قریانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲) سنگ‌نگاره کال خنیا (قریانی، ۱۳۹۲: ۲۰۴)</p>	<p>صحنه ۳: صحنه نمایش اسب همراه یا نقوش انسانی در حال سوارکوبی، الف</p>
 <p>سنگ‌نگاره جنت (رضاییزاد و میمن، ۱۳۸۸: ۱۶۸)</p>	
 <p>سنگ‌نگاره آسو (قریانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲)</p>	
 <p>سنگ‌نگاره سرخه لیزه (شیرزنگه، ۱۳۸۶: ۶۰)</p>	<p>صحنه ۳: صحنه نمایش اسب همراه یا نقوش انسانی در حال سوارکوبی، ب</p>

منبع: (صادقی، قربانی و هاشمی زرج‌آباد، ۱۳۹۴: ۸).

نقوش انسانی با موضوعیت نبرد

در مجموع، شش صحنه مربوط به نبرد در کنده‌نگاره‌های این استان کشف شده است که تمام نقوش صحنه نبرد و نقش‌مایه‌های نبرد انسانی با حیوانات یا حیوانات باهم است. این نقوش نیز دربرگیرنده سه صحنه است شامل: ۱- صحنه نبرد انسانی با شیر؛

۲- صحنه نبرد انسانی سواره بر اسب در حال نبرد با نقوش حیوانی؛ ۳- صحنه نبرد نقوش انسانی پیاده با حیواناتی نامعلوم.



صحنه اول: از مشخصات بارز و جالب ترین نقش ها، دو نقش انسانی در حال نبرد با شیر هستند که در سنگ نگاره نخلستان و کال جنگال یافت شده است. در سنگ نگاره نخلستان شیر عظیم الجثه ای در قسمت بالای نقش انسانی نقر شده است و جهت نگاره انسانی آن روبه رو است. حائز اهمیت ترین نقش نبرد را می توان در سنگ نگاره کال جنگال دید. در این صحنه، نگاره مردی با پوشش اشکانی، با ریش بافته شده و سربندی که در حال اهتزاز است که در گوشش گوشواره ای قرار دارد و در حال درگیری با شیر غرانی را نشان می دهد که مرد با دست چپ خود گوش راست شیر را گرفته و دست راست خود را به کمر زده است که قسمت سر مرد به حالت نیم رخ ولی بدن و پاهایش به طور کامل نمایش داده شده است. نقش انسانی، بسیار هنرمندانه نقر شده است و نقش شیری که در حال نبرد با نقش قبلی (مرد اشکانی) است که شیر نیم رخ و دم او به طرف بالا نقر شده است که جهت شیر به سمت راست است. در این نقش، تمام جزئیات حیوان - بدن، دندان هایش، حالت پاهایش و خشمگین بودنش - را هنرمند به خوبی نمایش داده است و نوشته ای پهلوی اشکانی در دو سطر که سطر اول نام مردی است که در حال نبرد با شیر است و سطر دوم یک عنوان مذهبی - نخودر ادخسترپ "نخودر و ساتراپ" - است و احتمالاً مقام و منصب مرد اشکانی است. در مورد نقش حیوانی شیر شاید بتوان به گفته هرینگتون^۱ به نقل از فرهادی (۱۳۷۴: ۳۰) اکتفا کرد که شیر بومی ایران بوده و موطن آن جنگل های جنوب غربی زاگرس و جنگل های حاشیه رودخانه های خوزستان شناسایی شده و تا ۵۵ سال پیش در دزفول دیده شده است و شیر اکنون از حیوانات در حال انقراض به شمار می آید. در خصوص این نقوش، شاید بتوان به نقوش حک شده در کاخ داریوش اشاره کرد. در تالار اصلی و در بدنه ی درگاه های این دره "شاه پهلوانی" در حال مبارزه با حیوانی افسانه ای نقش شده که مظهر چیرگی شخص شاه بر پلیدی هاست (ویلسون، ۱۳۷۷: ۱۵۵) (جدول ۵، صحنه ۱).

صحنه دوم: این نقوش در سنگ‌نگاره‌های کوه‌گرد کوچک، رامنگان ۱ و لایخ چمنزار یافت شده است. در سنگ‌نگاره کوه‌گرد کوچک، نبرد انسانی سوار بر اسب است که سواره به عقب برگشته و در حال تیراندازی است. نوع سلاح او مشخص نیست، اما به قطع می‌توان گفت که صحنه نبرد است. همان‌طور که می‌دانیم یکی از ویژگی‌های سواران اشکانی مهارتی بود که در تیرانداختن داشتند، به‌طوری که حتی در حالت تاخت از روی زین به عقب برمی‌گشتند و به‌سوی دشمن تیراندازی می‌کردند. این رسم قیقاچ زدن از قدیم میان سکائیان رایج بوده، چنان‌که از نقوش آنان بر روی سفال‌های یونانی، چنین برمی‌آید. این حالت تیراندازی، در نقوش صخره‌ای غار کرفتو و بر روی اشیاء سیمین و زرینی که از دوره‌های اشکانی و ساسانی به‌دست آمده، مشاهده شده است (قسیمی، ۱۳۸۶: ۸۰). در لایخ چمنزار، نقش سوارکاری نقر شده که سوار بر حیوانی است، جهت نقش به سمت چپ است و نقشی شبیه به پلنگ و یک نقش احتمالاً گورخر در حال تعقیب فرد سواره است و نقوش نمادین (صلیب) و نقشی نامشخص نیز حک شده است (جدول ۵، صحنه ۲).

صحنه سوم: در این صحنه نقشی یافت شده که صحنه نبرد نقوش انسانی به‌صورت پیاده با حیوانی نامعلوم است. این نقش در سنگ‌نگاره آسو یافت شده است. در خصوص ریخت‌شناسی نگاره می‌توان گفت که بسیار ساده و خلاصه‌شده حک شده است. نوع حیوان نامشخص است اما با اطمینان می‌توان گفت که از شیوه و حرکات دست‌های انسان چنین برمی‌آید که در حال تاختن نسبت به نقش حیوانی است. با توجه به مطالعات نگارندگان، نقش موجود در سنگ‌نگاره آسو شباهت زیادی به نقش موجود در سنگ‌نگاره تیمره دارد (فرهادی، ۱۳۷۴: ۲۷) (جدول ۵، صحنه ۳). در میان مجموعه نقوش استان خراسان جنوبی باید گفت چیزی که حائز اهمیت است این‌که تماماً نقوش انسانی، یا در حال نبرد با حیوانات و یا نبرد حیوانات باهم است و هیچ نقشی از نبرد انسان‌ها باهم دیده نشده است که خود جای بسی تعقل دارد.

جدول ۵) بررسی نقوش انسانی در حال نبرد در سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی با دیگر

سنگ نگاره های ایران

 <p>نگاره ای از کاخ داریوش (کخ، ۳۸۹: ۱۵۵)</p>	 <p>کل جنگل (قریلی، ۳۹۲: ۱۸۷)</p>	 <p>نخلستان (قریلی، ۳۹۲: ۱۹۱)</p>	<p>صفحه ۱. صفحه نبرد انسانی با شیر</p>
 <p>راشنگان ۱ (قریلی، ۳۹۲: ۱۳۵)</p>	 <p>لاج چمنزار (قریلی، ۳۹۲: ۱۶۵)</p>	 <p>کوه کرد کوچک (قریلی، ۳۹۲: ۱۷۶)</p>	<p>صفحه ۲. صفحه نبرد انسانی سواره بر اسب با دیگر نقوش حیوانی</p>
 <p>تیمره (فرهادی، ۳۷۴: ۲۷)</p>	 <p>آسو (قریلی، ۳۹۲: ۱۵۲)</p>		<p>صفحه ۳. صفحه نبرد انسانی پیاده با حیوانات نامعلوم</p>

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

تصویر تیر و کمان در نقوش انسانی

نگاره ها و سلاح های زیادی بر روی کنده نگاره های استان خراسان جنوبی کشف شده است که شامل نقوشی - تفنگ، چوبدستی، سلاح، تیر و کمان - است که نقش تفنگ به صورت تکی نقر شده است و چوبدستی در بالا همراه با نقوش سواره است و تنها نقوش انسانی که همراه با تیر و کمان است، دو نقش موجود در سنگ نگاره نخلستان و کال حسینا است. در سنگ نگاره کال حسینا نیز نقوشی از نگاره انسانی در حال تیراندازی به سمت یک گاو کوهان دار نقر شده است. براساس داده های باستان شناسی، کلیه گروه های دیرینه سنگی جدید ... وسایل مکانیکی ساده ای از قبیل کمان، نیزه انداز و غیره را اختراع

کردند. شاید کمان نخستین دستگاه مکانیکی باشد که فکر انسان، به وجود آورده است. اختراع کمان چنان تأثیری در زندگی آدمی داشته که مورگان^۱ در طبقه‌بندی تاریخ بشر خود، براساس پیشرفت تکنولوژی (فناوری)، معتقد است دوره پایانی توحش با اختراع تیر و کمان آغاز شده است. تأثیر تیر و کمان بر دوره‌ی توحش با تأثیر آهن بر دوره‌ی بربریت و تأثیر جنگ‌افزارهای آتشین بر دوری تمدن برابری می‌کند (فرهادی، ۱۳۷۴: ۳۸-۳۹). از نظر گاه‌نگاری و با وجود شاخص‌هایی چون تیر و کمان و بویژه اسبی که لگام دارد را پژوهشگران از هزاره دوم قبل از میلاد و ورود مهاجران کوچ‌رو و سواره‌ی سکایی و آریایی به ایران، قدیم‌تر نمی‌دانند (گاراژیان، عادل‌ی و پاپلی یزدی، ۱۳۸۰: ۹۶). شباهت این نقش را می‌توان به نقوش ذکر شده در زیر ارتباط داد: نقوش میمند شهر بابک (فرهادی، ۱۳۷۴: ۳۲)، نقوش صخره‌ای اورامان (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۵) و سنگ‌نگاره‌های ابراهیم‌آباد اراک (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۱۰۲) (جدول ۶).

جدول ۶ بررسی نقوش انسانی با تیر و کمان در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی با دیگر

سنگ‌نگاره‌های ایران

 <p>نخل‌خل (قریلی، ۱۳۹۲: ۱۹۳)</p>	 <p>نخل‌خل (قریلی، ۱۳۹۲: ۱۹۰)</p>	 <p>کل حینا (قریلی، ۱۳۶۲: ۲۰۱)</p>
 <p>ابراهیم‌آباد (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۱۰۳)</p>	 <p>اورامان (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۵)</p>	 <p>میمند (فرهادی، ۱۳۷۴: ۳۲)</p>

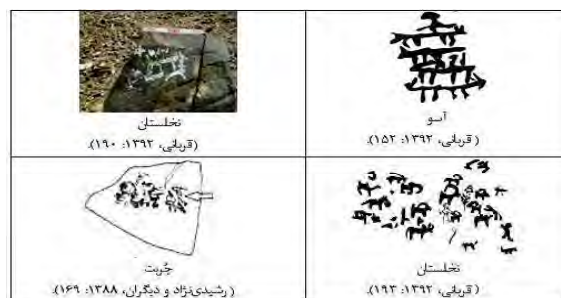
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

صحنه های دامداری در نقوش انسانی

منطقه استان خراسان جنوبی در گذشته های دور به دلیل دارا بودن قابلیت های فراوان بویژه وجود گله های قوچ و میش مطرح بوده است. این منطقه به علت داشتن مراتع زیبا و تپه ماهورهای متعدد می تواند مأمّن مناسبی برای پرورش قوچ و میش وحشی در استان خراسان جنوبی باشد. توپوگرافی منطقه عمدتاً کوهستانی و صخره ای و در بعضی نقاط تپه ماهوری می باشد. منطقه در ناحیه خشک و نیمه خشک قرار دارد و تقریباً تمامی پدیده های طبیعی مثل کوه، تپه، چشمه، رودخانه و قنات های مختلف در آن به چشم می خورد و منطقه دارای آب و هوای گرم و خشک بوده و در نواحی کوهستانی به علت ریزش باران و برف از آب و هوای معتدل تری برخوردار است (گزارش جامع ...، ۱۳۸۹: ۲۴۶). در واقع، می توان گفت که تنوع جانوری و ویژگی های این محدوده، مکان و مأمّن مناسبی را برای ساکنین آن فراهم آورده است که این مهم را می توان بر روی نگاره های این استان به وضوح دید. این نقوش در دو محوطه آسو و نخلستان یافت شده است. در سنگ نگاره آسو، نگاره انسانی سوار بر مرکب که جهت آن به سمت راست است و چند نقش حیوانی دیگر در زیر فرد سواره حک شده است که مربوط به صحنه چراگاه است. یکی دیگر از نگاره ها که در محوطه نخلستان یافت شده است و از یکسان بودن موضوع آن می توان این گونه اشاره کرد که یکی از جالب توجه ترین نقوش موجود در این استان است و آن نقش انسانی که در مرکز تخته سنگ نقر شده و بر روی سرش دو دوزانده وجود دارد که از روبه رو نمایش داده شده است. حیوانات حاضر در نقش - شتر، بزکوهی، فیل؟، گاو کوهان دار، اسب، پلنگ و یک نقش گیاهی شاید درخت زندگی - و یک نقش شبیه به زن - با توجه به لباسش - در قسمت بالای تخته سنگ را نیز می توان دید. هم چنین تعدادی نقوش نامعلوم که به علت فرسایش سنگ آسیب دیده است را می توان مشاهده کرد. شاید بتوان بین چنین نقشی با نقش موجود در کنده نگاره های جُربت از لحاظ تنوع نقوش ارتباط برقرار کرد که مربوط به صحنه دامداری است (جدول ۷).

جدول ۷) بررسی نقش انسانی در چرا یا در صحنه دامداری در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی

با سنگ‌نگاره جُربت



منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

ویژگی‌های عمومی نقوش انسانی در سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی

کیفیت نقوش: عمق و تفاوت رنگ و چگونگی فرسایش و ماندگاری نقوش، از جمله عواملی هستند که می‌توانند در تعیین قدمت و تقدم و تأخر دوره‌ی ایجاد آنها، مورد نظر قرار گیرند. عمق و رنگ نقوش حتی آنهایی که در یک صحنه قرار دارند، با یکدیگر متفاوت بوده، بدین‌صورت که عمق برخی به‌علت مرور زمان و تأثیر عوامل طبیعی به‌قدری فرسایش یافته که تقریباً با صخره هم‌سطح گردیده و یا این‌که سطح برخی دیگر را زنگار گرفته و با زمینه‌ی صخره هم‌رنگ شده و به همین دلیل به‌راحتی قابل رؤیت نیستند و تنها از زاویه‌ای مناسب از سطح صخره، متمایز شده و قابل تشخیص می‌باشند. از طرفی، محدودیت سطح یک صخره و تأکید بر ایجاد نقوش در همان سطح، در ادوار مختلف باعث شده تا بر روی صخره‌های اصلی، تراکم و انبوهی از نقوش مختلف حک شوند، به‌گونه‌ای که نقش‌ها چسبیده به هم و بعضاً بر روی یکدیگر قرار گرفته‌اند و باعث شده تا موضوع آنها قابل تشخیص نباشد.

نحوه قرارگیری نقوش: تجمع نقوش اکثراً در قسمت بلندای دیواره صخره‌ای و یا بالاترین نقطه تخته‌سنگ تا پایین‌ترین آن نقر شده است، اما به‌طور کلی در قسمت‌های پایینی تمرکزشان بیشتر مشهود است.

وضعیت آسیب‌دیدگی نقوش: در مورد وضعیت آسیب‌شناسی این سنگ‌نگاره‌ها، بیشتر عوامل طبیعی به صورت ترک خوردگی و شکستگی در سطح سنگ، درز و شکاف، ورقه ورقه شدن سطح خود را نشان می‌دهد و عوارض انسانی هم‌چون کنده‌نگاری در سطح سنگ و یادگارنویسی دیده می‌شود. به دلیل این که غالب این آثار در فضای باز قرار دارند، متأسفانه دچار فرسایش و تغییرات خردگی شده‌اند.

گاه‌نگاری پیشنهادی

تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها به مراتب دشوارتر از تاریخ‌گذاری آثار باستانی است. علت آن، نخست آن که این حکاکی‌ها در اغلب موارد سنتی هستند که از کهن‌ترین ایام هنرورزی آدمی تا روزگار ما ادامه یافته‌اند و مهم‌تر آن که متأسفانه هنوز راه‌های فنی دقیق و مستقیمی برای تعیین سن این آثار به دست نیامده است (حصارنوی، ۱۳۸۱: ۱۸۶). در مواجهه با آثار و سنگ‌نگاره‌ها همیشه این نکته که این نقوش مربوط به چه دوره‌ای است و در چه زمانی ایجاد شده، مورد سؤال بوده است که در این رابطه، باید خاطر نشان کرد که متأسفانه در کشور ما به راحتی به این سؤال پاسخ داده نمی‌شود و دلیل این امر، عدم دسترسی به امکانات آزمایشگاهی لازم برای تاریخ‌گذاری دقیق آنها و پرهزینه بودن یک آزمایش‌گاه‌نگاری است و معمولاً شیوه مرسوم مشخص کردن قدمت این نوع نقوش، تاریخ‌گذاری نسبی آنها بر اساس تطبیق نقوش، سبک و روش اجرای آنها در روی اشیاء و آثاری است که به صورت تاریخ‌دار تاکنون شناسایی شده است.

در خصوص گاه‌نگاری منطقه، شاید بتوان به پیشنهادات لباف خانیکی و بشاش (۱۳۷۳: ۲) که در تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره لاج مزار بیرجند فرضیاتی را مطرح نموده‌اند نیز رجوع کرد:

دوران سنگ: ترسیم اشکالی بدین‌گونه به اعتقاد باستان‌شناسان از دوره فرهنگی

سولوتره‌ان^۱ آغاز گردیده و تا آخر دوره فرهنگی ماگدالینین^۲ ادامه داشته است. در این دوره، تصویر زن معمولاً با تکیه بر خصلت زایای او رسم می‌شده و در مجموع، تصاویر مرد فراوان‌تر از زن بوده است، نقاشی پیکر انسان جنبه استعاری داشته است، به نحوی که امروزه تمامی مفاهیم آن مشخص نیست. تصویر انسان‌هایی (مرد) که وارونه از درخت آویزان شده و به گردآوری عسل مشغول شده است و هم‌چنین نقوش گیاهی بسیار ساده و خلاصه‌شده و غیره.

دوران پیش از تاریخ: علائم و نشانه‌ها و اشکالی شامل نقوش گیاهی را که در هیأت‌های شاخه‌های کوتاه رسم شده‌اند، زیرا نمونه‌هایی با همان شکل و شمایل زینت‌بخش ظروف سفالی پیش از تاریخ بوده که در تپه حصار دامغان، تپه سیلک کاشان، تپه گیان نهاوند، تپه ابلیس کرمان و شوش کشف شده‌اند. نقش دست‌ها، نقش صلیب شکسته، نقش یین و یانگ^۳، نقش بزکوهی و غیره.

دوران تاریخی: نیزه‌ی سه شاخ که در دوران اشکانیان حضور وافر دارد، پوشش اشکانی، کتیبه‌ها و غیره.

دوران اسلامی: زائده‌هایی قلب‌مانند که بر روی نگاره‌های ظروف سفالی نقاشی شده‌اند، تصاویر پرندگان طاووس‌مانند، کتیبه‌های عربی و فارسی شامل اسامی خدا،

۱. فرهنگ سولوتره‌این: Solutreen نام فرهنگ محلی انسان اورینیایی که به سه دوره تقسیم شده است: ۱. پسین؛ ۲. میانه؛ ۳. پیشین. این فرهنگ مربوط به ۲۰۰۰۰ هزار سال قبل از میلاد است و آثار آن از فرانسه، اسپانیا، چک و اسلواکی و لهستان به دست آمده است. در این دوره بر ادوات دوره اورینیایی، ادواتی هم‌چون درفش، رنده، اره و نیزه اضافه می‌شود، و از شاخ گوزن آلات فراوانی تهیه شده است (جلالی جعفری، ۱۳۷۸: ۱۹۳).

۲. فرهنگ ماگدالینین: Magdalenian نام فرهنگ محلی دیگری از انسان اورینیایی است و تقریباً از سال ۳۰۰۰۰ تا ۱۷۰۰۰ سال قبل از میلاد ادامه داشته است. در این دوره مجسمه‌هایی از انسان ساخته می‌شد که نمادهایی از باروری و حاصل‌خیزی بوده‌اند. مهم‌ترین آثار این دوره در غارهای فون دوگوم (font-de-Gaumo) و لاسکو و غار آلتامیرا در اسپانیا یافت شده است (همانجا).

۳. این نقش بنا به گفته لباف خانیکی و بشاش رمز حیات نام گرفته است در فرهنگ چین باستان به سمبل فلسفه "یین و یانگ" شهرت داشته و نمود و حیات و آفرینش بوده است که این فلسفه از سال ۲۸۵۲ پیش از میلاد بنیان گرفته است. در آیین دائو همه چیز را یین و یانگ پدید آورده‌اند که پیوسته بر یکدیگر پرتو می‌افکنند و یکدیگر را می‌پوشانند و کارهای یکدیگر را سامان می‌دهند. یین و یانگ دو نگهبان آفرینش نیز بشمار می‌روند. در اساطیر ایرانی سروش نخستین نیایشگر دو نگهبان و آفریدگاری که همه آفرینش را پدید آورده‌اند، پایگاه ویژه دو نیروی نگاهبان (پس از اهورامزدا و امشاسپندان قرار دارد و تنها نیروهای سازمان بخش آفرینش بشمار می‌روند). در آیین دائوگرایی و کنفوسیوس‌گرایی نیز یین و یانگ نمادی از زمین و آسمان به‌شمار می‌روند (لباف خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۲۷ و ۲۸).

محمد (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) و غیره.

پیش از این اشاره شد که تاریخ‌گذاری نقش‌کنده‌ها فقط به صورت نسبی امکان‌پذیر است، لذا با توجه به نظر بورنی^۱ (۱۳۴۸، ۱۵)، نقوش حک شده در استان خراسان جنوبی را نیز می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه سوارکار همراه با نقوش حیوانی (اسب) و شکارچینی که همراه با تیر و کمان نقر شده‌اند و نقوش حیواناتی که در عین خلاقیت هنری، بسیار ساده است که در حدود ۴۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد قدمت دارند. این حضور از هزاره پنجم قبل از میلاد تاکنون استمرار داشته و امروزه نیز چوپانان در کوه و دشت به همان شیوه اجداد خود ناظر بر طبیعت‌اند. در این جا باید گفت نقش‌کنده‌های استان خراسان جنوبی هم می‌توانند قابل مقایسه باشند، هم چون سنگ‌نگاره شاخص لاج مزار بیرجند با سنگ‌نگاره جرئت و سایر نقاط.

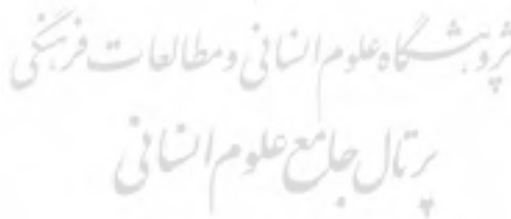
برای تاریخ‌گذاری نسبی سنگ‌نگاره‌ها از راه‌های زیر می‌توان بهره برد: بررسی و تحقیق در نوع حیوانات- وحشی و اهلی با استفاده از تاریخ اهلی شدن حیوانات- نوع ابزارآلات- شکار و چوپانی نظیر تیر و کمان و تفنگ و نیزه- نوع پوشش و لباس نگاره‌های انسانی، سبک هنری آنها، نحوه عمق حجاری، کهنگی و جدید بودن اثر نگاره‌ها بر روی صخره، کتیبه و نوشتار و غیره. در نهایت و با این تفاسیر و با توجه به بالا بودن کیفیت طراحی برخی از نقش‌های کنده‌کاری استان خراسان جنوبی، استفاده از ابزار پیشرفته در نقش‌ها و وجود برخی کتیبه‌ها، تاریخ‌گذاری برخی از نقوش مربوط به دوران اسلامی، تاریخی و پیش از تاریخ است. نکته شاخص در تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی حضور اسب و سوارکاران است که با توجه به اهلی‌سازی و استفاده از اسب که تاریخ رواج آن، فراتر از عصر آهن را دربرندارد- رامنگان^۱، خزان، لاخ‌دُلْدُل، آسو، کوه‌گرد کوچک، کالِ حسینا- و با توجه به حضور ابزارآلات (تیر و کمان) در نخلستان و کالِ حسینا، پوشش انسانی شبیه چهره‌های اشکانی (کالِ جنگال)، کتیبه‌های اشکانی و ساسانی (کالِ جنگال و کافرکوه) و دیگر کتیبه‌های اسلامی نقر شده در این استان، می‌توان گاه‌نگاری محوطه‌ها را به‌طور کلی و با دوری جستن از ارائه گاه‌نگاری دقیق‌تر

به هر سه دوره تاریخی - اواخر پیش از تاریخ، تاریخی و دوره اسلامی - رساند (جدول ۹).

جدول ۹) اطلاعات جغرافیایی و نقش مایه های انسانی سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی

نام مجموعه	نام شهرستان	مختصات جغرافیایی	ارتفاع از سطح دریا	سنگ و تکنیک	تعداد نقش	نوع نقاشی	جنس سنگ	جهت تیران تیران	شماره نقشه
سنگ نگاره رشتگان ۱	سبزده	$E=50^{\circ}32'38''$ & $N=33^{\circ}05'38''$	1347 متر	پتروگلیف (کوبش)	۲۰	حیوانی، انسانی، نباتی، هندسی، اشکال نامشخص	سنگهای رسوبی و دیگرگون	عمود طبیعی (تیران سطح، خرز و شکاف و تیران طبیعی)	سوارگاری، ۱۹۱۲۰۰۰ (شماره کار، ۱۳۸۰) کتیبه، نقشه انجمن، کتیبه (۱۳۸۶)
سنگ نگاره خزل	ایرود	$E=50^{\circ}23'38''$ & $N=33^{\circ}11'43''$	۲۰۰۴ متر	پتروگلیف (کوبش و خراش)	۲۱	انسانی، حیوانی، نباتی، نامشخص	سنگهای رسوبی و دیگرگون	عمود طبیعی (تیران سطح، تیران طبیعی به صورت ترک خوردگی و شکستگی در سطح سنگ)	سوارگاری، ۱۹۱۲۰۰۰ (شماره کار، ۱۳۸۰) کتیبه، نقشه انجمن، کتیبه (۱۳۸۶)
سنگ نگاره لاج گل	ایرود	$E=50^{\circ}23'47''$ & $N=33^{\circ}11'28''$	۲۰۰۴ متر	پتروگلیف (کوبش و خراش)	۴۰	انسانی، حیوانی، ابزار، نباتی، نامشخص	سنگهای رسوبی و دیگرگون	عمود طبیعی (تیران سطح، تیران طبیعی به صورت ترک خوردگی و شکستگی در سطح سنگ)	سوارگاری، ۱۹۱۲۰۰۰ (شماره کار، ۱۳۸۰) کتیبه، نقشه انجمن، کتیبه (۱۳۸۶)
سنگ نگاره راند	ایرود	$E=50^{\circ}25'11''$ & $N=33^{\circ}11'21''$	۲۰۸۹ متر	پتروگلیف (کوبش)	۵۱	انسانی، حیوانی، نباتی، هندسی، نامشخص	سنگهای رسوبی و دیگرگون	عمود طبیعی (تیران سطح، تیران طبیعی به صورت ترک خوردگی و شکستگی در سطح سنگ)	سوارگاری، ۱۹۱۲۰۰۰ (شماره کار، ۱۳۸۰) کتیبه
سنگ نگاره کفرکوه	ایرود	$E=50^{\circ}21'55''$ & $N=33^{\circ}11'39''$	۲۰۶۵ متر	پتروگلیف (کوبش)	۲۲	انسانی، حیوانی، هندسی، نباتی، نامشخص	سنگهای رسوبی و دیگرگون	عمود طبیعی (تیران سطح، تیران طبیعی به صورت ترک خوردگی و شکستگی در سطح سنگ)	سوارگاری، ۱۹۱۲۰۰۰ (شماره کار، ۱۳۸۰) کتیبه
سنگ نگاره لاج چمنز	ایرود	$E=50^{\circ}16'11''$ & $N=33^{\circ}23'37''$	۲۲۶۴ متر	پتروگلیف (کوبش)	۲۹	حیوانی، انسانی، نباتی، هندسی، نامشخص	سنگهای رسوبی و دیگرگون	عمود طبیعی (تیران سطح، تیران طبیعی به صورت ترک خوردگی و شکستگی در سطح سنگ)	سوارگاری، ۱۹۱۲۰۰۰ (شماره کار، ۱۳۸۰) کتیبه
سنگ نگاره کوه گردکوهک ۱ و ۲	خوسف	$E=50^{\circ}23'13''$ & $N=33^{\circ}13'13''$ $E=50^{\circ}23'14''$ & $N=33^{\circ}13'14''$ $E=50^{\circ}23'15''$ & $N=33^{\circ}13'15''$	۱۹۶۵ متر ۱۹۶۵ متر ۱۹۸۲ متر	پتروگلیف (کوبش)	۱۲۲	انسانی، حیوانی، نباتی، هندسی، نامشخص	سنگهای رسوبی و دیگرگون	عمود طبیعی (تیران سطح، تیران طبیعی به صورت ترک خوردگی و شکستگی در سطح سنگ)	سوارگاری، ۱۹۱۲۰۰۰ (شماره کار، ۱۳۸۰) کتیبه
سنگ نگاره کال چال اول و دوم	خوسف	$E=50^{\circ}29'11''$ & $N=33^{\circ}41'55''$ $E=50^{\circ}29'12''$ & $N=33^{\circ}41'56''$ $E=50^{\circ}29'13''$ & $N=33^{\circ}41'57''$ $E=50^{\circ}29'14''$ & $N=33^{\circ}41'58''$ $E=50^{\circ}29'15''$ & $N=33^{\circ}41'59''$	۱۰۰ متر ۱۰۰ متر ۱۰۰ متر ۱۰۰ متر ۱۰۰ متر	پتروگلیف (کوبش و خراش)	۱۴	انسانی، حیوانی، کتیبه، نامشخص	سنگهای رسوبی و دیگرگون	عمود طبیعی (تیران سطح، تیران طبیعی به صورت ترک خوردگی و شکستگی در سطح سنگ)	سوارگاری، ۱۹۱۲۰۰۰ (شماره کار، ۱۳۸۰) کتیبه
سنگ نگاره نعلستان اول و ۲	نهبندان	$E=50^{\circ}29'11''$ & $N=33^{\circ}41'55''$ $E=50^{\circ}29'12''$ & $N=33^{\circ}41'56''$ $E=50^{\circ}29'13''$ & $N=33^{\circ}41'57''$ $E=50^{\circ}29'14''$ & $N=33^{\circ}41'58''$ $E=50^{\circ}29'15''$ & $N=33^{\circ}41'59''$	۲۰۰۷ متر ۱۰۸۴ متر ۱۰۷۵ متر ۱۰۸۳ متر ۱۰۷۸ متر	پتروگلیف (کوبش و خراش)	۲۷	حیوانی، ابزار، انسانی، هندسی، نامشخص	سنگهای رسوبی و دیگرگون	عمود طبیعی (تیران سطح، تیران طبیعی به صورت ترک خوردگی و شکستگی در سطح سنگ)	سوارگاری، ۱۹۱۲۰۰۰ (شماره کار، ۱۳۸۰) کتیبه
سنگ نگاره کال چناب اول و ۲	نهبندان	$E=50^{\circ}29'13''$ & $N=33^{\circ}42'55''$ $E=50^{\circ}29'14''$ & $N=33^{\circ}42'56''$ $E=50^{\circ}29'15''$ & $N=33^{\circ}42'57''$ $E=50^{\circ}29'16''$ & $N=33^{\circ}42'58''$ $E=50^{\circ}29'17''$ & $N=33^{\circ}42'59''$	۱۰۸۳ متر ۱۰۸۱ متر ۱۰۷۸ متر ۱۰۸۵ متر ۱۰۸۹ متر	پتروگلیف (کوبش)	۹۶	انسانی، حیوانی، هندسی، نامشخص	سنگهای رسوبی و دیگرگون	عمود طبیعی (تیران سطح، تیران طبیعی به صورت ترک خوردگی و شکستگی در سطح سنگ)	سوارگاری، ۱۹۱۲۰۰۰ (شماره کار، ۱۳۸۰) کتیبه

منبع: نگارنگان، ۱۳۹۴



نتیجه

استان خراسان جنوبی از شاخص ترین مکان هایی می باشد که در سال های اخیر از نظر فعالیت های باستان شناسی انجام شده از اعتبار و ارزش خاصی در ارتباط با آثار باستانی برخوردار بوده است و می توان با اشاره به تنوع نقوش انسانی همراه با دیگر نقوش ایجاد شده بر صخره نگاره ها، این آثار را مورد تحلیل و بررسی قرار داد. با توجه به یافته های قابل دسترسی می توان به این مهم دست یافت که باورهای اعتقادی بشر در دوره های پیشین، بر نقوش سنگی نیز تأثیرگذار بوده به طوری که نقوش ابتدایی، همان نقوش انسانی بوده که عمدتاً همراه با مسائل عادی زندگی، مراسم آیینی و اعتقادی و صحنه های نمایشی بوده است. با بررسی نقوش به نتایج زیر می توان دست یافت:

۱- سبک و روش تمام نقوش پتروگلیف (کنده نگاره) است و نقاشی یا پیکتوگراف^۱ در هیچ صحنه ای یافت نشده است.

۲- اکثر نقوش به صورت تمام رخ نقر شده اند به جز دو نقش که در سنگ نگاره کال جنگال که مربوط به سرباز اشکانی است.

۳- مضمون نقوش انسانی در هفت دسته: منفرد، در مراسم رقص، در مراسم آیینی، در حال نبرد، در مراسم نمایشی (مسابقه، سوارکاری)، در چراگاه یا دامداری و همراه با نقوش نمادین می باشد.

۴- نقوش بسیار تجریدی و به صورت خلاصه شده و ساده نقر شده است و پرسپکتیو^۲ مقامی، مقامات و شخصیت ها بزرگ تر نقر شده است که می توان به نقش موجود در سنگ نگاره کال جنگال اشاره کرد.

1. Pictograph

۲. پرسپکتیو یا تصاویر مجسم (Perspective)، رسم و نمایش تصویر در حالت سه بعدی است. به عبارت دیگر، به تصویری پرسپکتیو یا تصویر مجسم گفته می شود که دارای طول، عرض و ارتفاع باشد. از ویژگی بارز این گونه تصاویر این است که فهم و درک آن ها راحت تر حاصل می شود و طراح می تواند ارتباط بهتری با مخاطب خود برقرار نماید.

منابع

- استانداری خراسان جنوبی (۱۳۹۰). *سالنامه آماری استان خراسان جنوبی*. بیرجند: استانداری خراسان جنوبی، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر آمار و اطلاعات.
- اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان جنوبی (۱۳۸۹). گزارش جامع وضعیت مناطق چهارگانه تحت مدیریت حفاظت محیط زیست استان خراسان جنوبی. بیرجند.
- ایوانف، ولادیمیر (۱۳۸۸). "ملاحظات در باب قوم‌شناسی خراسان". ترجمه علی آرامجو و علی قادری اردکانی. *فصلنامه فرهنگ خراسان جنوبی*، سال چهارم، ش ۱ و ۲ (پاییز و زمستان): ۳۷ - ۶۱.
- بورنی، مک (۱۳۴۸). "گزارش مقدماتی بررسی و حفاری در غارهای کوه‌دشت لرستان برای تعیین تاریخ نقش‌های پیش از تاریخی ناحیه لرستان". ترجمه ذبیح‌الله رحمتیان. *باستان‌شناسی و هنر ایران*، ش ۳ (تابستان): ۱۴-۱۶.
- بیک‌محمدی، خلیل‌الله؛ جانجان، محسن؛ بیک‌محمدی، نسرین (۱۳۹۱). "معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه‌ی B ارگس سفلی (ملایر-همدان)". *نامه‌ی باستان‌شناسی*، دوره دوم، ش ۲ (بهار و تابستان): ۱۲۱-۱۴۰.
- بیگلری، فریدون؛ مرادی بیستونی، علیرضا؛ جمشیدی، فریدون (۱۳۸۶). "گزارش بررسی نقوش غار چشمه‌سهراب کرمانشاه". *باستان‌پژوهی*، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۵۰-۵۵.
- پوربخشنده، خسرو (۱۳۸۶). "نگاهی به نقوش صخره‌ای فراهان (اراک)". *باستان‌پژوهی*، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۴۶-۴۹.
- پیردیگار، زان (۱۳۸۵). *مردم‌شناسی انسان و حیوانات اهلی*. ترجمه اصغر کریمی. تهران: افکار.
- تاجریزی، الهام؛ آرزومندان، راضیه (۱۳۹۰). "ویژگی‌های اقلیمی خراسان جنوبی و بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر در معماری همساز با اقلیم". *فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان*، سال ششم، ش ۱ (پاییز): ۵۲-۷۳.

- جابانی، محمد (۱۳۸۰). "ورزش و بازی های محلی قوچان". کتاب ماه هنر (ویژه هنر عامه)، ش ۳۹-۴۰ (آذر و دی): ۵۱-۵۵.
- جلالی جعفری، بهنام (۱۳۸۲). "زیبایی شناسی خودآگاه: کشف خودآگاهی در تفکر هنر ماقبل تاریخ". زیباشناخت، ش ۹: ۱۸۷-۱۹۴.
- حصارنوی، علیرضا (۱۳۸۱). "سنگ نگاره های دره گنج شهرستان تفت". مجله اثر، ش ۳۵ (پاییز): ۱۸۰-۱۸۶.
- رشیدی نژاد، مسعود؛ دلفانی، میثم؛ مصطفی زاده، نرگس (۱۳۸۸). "معرفی سنگ نگاره های جربت، شهرستان جاجرم". پژوهش های باستان شناسی مدرس، سال اول، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۶۶-۱۷۴.
- رضایی، جمال؛ کیا، صادق (۱۳۳۰). گزارش نوشته ها و پیکره های کال جنگال. تهران: انجمن ایرانویج.
- رفیع فر، جلال الدین (۱۳۸۱). پیدایش و تحول هنر. تهران: برگ زیتون.
- ----- (۱۳۸۴). سنگ نگاره های ارسباران. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده مردم شناسی.
- زارعی، علی؛ سروش، محمدرضا؛ کریمیان، حسن (۱۳۹۱). "تاریخچه مطالعات و پژوهش های باستان شناسی جنوب خراسان". فصلنامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان، سال ششم، ش ۲۲ و ۲۳ (زمستان و بهار): ۲۷-۶۰.
- سامه، بختیار؛ شیرازی، علی اصغر (۱۳۹۱). "بررسی زیبایی شناسی هنر ایران در سنگ نگاره های عیلامی در منطقه ایذه". مطالعات ایران، سال یازدهم، ش ۲۱ (بهار): ۱۸۱-۲۰۶.
- شیدرنگ، سونیا (۱۳۸۶). "نقوش صخره ای میوله؛ نویافته هایی در شمال کرمانشاه". باستان پژوهی، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۵۵-۶۴.
- صادقی، سارا؛ قربانی، حمیدرضا؛ هاشمی زرج آباد، حسن (۱۳۹۴). "بررسی و مطالعه نگاره اسب و سوارکاران بر روی سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی". در: مجموعه مقالات برگزیده دومین همایش ملی باستان شناسی ایران (مشهد، آبان

- ۱۳۹۴). به اهتمام حسن هاشمی زرج‌آباد. بیرجند: چهاردرخت: ۱-۱۳.
- صراف، محمدرحیم؛ بشاش، رسول (۱۳۶۶). گزارش بررسی نقوش حجاری شده کمربسته تویسرکان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، مرکز اسناد [چاپ نشده].
- فراهانی، حسن (۱۳۸۹). "مقاله قربانی در ادیان". معرفت، ش ۵۱ (اسفند): ۷۶-۸۷.
- فراهادی، مرتضی (۱۳۷۴). "موزه‌هایی در باد: معرفی مجموعه عظیم سنگ‌نگاره‌های نویافته تیمره". فصلنامه علوم/اجتماعی، دوره چهارم، ش ۷ و ۸ (زمستان): ۱۶-۶۱.
- ----- (۱۳۷۷). موزه‌هایی در باد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- قربانی، حمیدرضا (۱۳۹۲). گزارش بررسی و مطالعه باستان‌شناسی و انسان‌شناختی نقوش صخره‌ای (سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی). بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
- قسیم، طاهر (۱۳۸۶). گزارش بررسی نقوش صخره‌ای اورامان. باستان‌پژوهی، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۷۱-۸۰.
- کُخ، هایدماری (۱۳۸۹). از زبان داریوش. ترجمه‌ی پرویز رجبی. تهران: کارنگ.
- کریمی، فریبا (۱۳۸۶). "نگرشی نو به کنده‌نگاره‌های صخره‌ای ایران". باستان‌پژوهی، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۲۰-۳۴.
- گاراژیان، عمران؛ عادل، جلال؛ پاپلی یزدی، لیلا (۱۳۸۰). "سنگ‌نگاره‌های تازه کشف شده همیان". انسان‌شناسی، سال اول، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۸۴-۱۰۰.
- گل‌کار حمزه‌یی یزد، حمیدرضا؛ رضایی‌نژاد، محمد؛ طاووسی، مجتبی (۱۳۹۵). "پهنه‌بندی اقلیمی استان خراسان جنوبی با نرم‌افزار GIS". حفاظت منابع آب و خاک، سال ششم، ش ۱ (پاییز): ۴۷-۵۹.
- لباف‌خانیکی، رجبعلی؛ بشاش، رسول (۱۳۷۳). سنگ‌نگاره‌های لایخ‌مزار بیرجند. (سلسله مقالات پژوهشی). تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- لحافیان، جمال (۱۳۸۹-۱۳۹۰). "فنجان‌نماها در هنر صخره‌ای کردستان". پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال دوم و سوم، ش ۴ و ۵: ۷۹-۸۸.
- محسنی، مرتضی؛ ولی‌زاده، مریم (۱۳۹۰). "بن‌مایه‌های توتمیسم در قصه‌های

- عامیانه ایران". فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال هفتم، ش ۲۳ (تابستان): ۱۵۵-۱۸۰.
- محمدی قصریان، سیروان؛ نادری، رحمت (۱۳۸۶). "بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای خره نجیران (مهاباد)". *باستان‌پژوهی*، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۶۱-۶۴.
- محمودی، آرزو؛ نصیری، مجید (۱۳۹۲). "درآمدی بر زیبایی‌شناسی نقش مایه‌های جانوری سفالینه‌های قبل از اسلام در ایران". در: *مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی باستان‌شناسی ایران (دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها)*. به اهتمام حسن هاشمی زرج‌آباد و محمدحسین قریشی. بیرجند: دانشگاه بیرجند، دانشکده هنر: ۱-۹.
- ویلسون، اوا (۱۳۷۷). *طرح‌های اسلامی*. ترجمه‌ی محمدرضا ریاضی. تهران: سمت.
- هال، جیمز (۱۳۹۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*. ترجمه‌ی رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- Francfort, H. P. (1998). "Central Asian petroglyphs: between Indo- Iranian and shamanistic interpretations". In (C. Chippindale and P. S. C. Tacon, eds) *The Archaeology of Rock-art*: 302-318. Cambridge University Press: Cambridge.
- Lymer, k. (2004). "Rags and rock art: the landscapes of holy site pilgrimage in the Republic of Kazakhstan". *World Archaeology*, Vol. 36, No. 1: 158-172.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی